ادامه از صفحه اول

اتهام‌زنی به سد چم‌شیر از روی علم است یا فاجعه ناآگاهی

۱) آیا در مخزن سد چم‌شیر سازند گچساران وجود دارد؟

بله وجود دارد. برخلاف ادعای مطرح‌شده، در حالت مخزن پرشده از آب، حدود ۳۶ درصد از سطح در تماس با آب مخزن سد بر روی سازند گچساران قرار خواهد گرفت. ضمنا همه سازند گچساران لزوما از سنگ گچ نیست، بلکه حدود نیمی از آن را لایه‌های مارنی (سنگ غیرقابل انحلال) تشکیل داده است.

۲) آیا وجود سازند گچساران در مخزن سد به معنای فاجعه است؟

خیر. سازند رسوبی گچساران دارای هفت ممبر یا بخش مختلف است که در برخی از این زیرمجموعه‌ها لایه‌های نمک وجود دارد؛ بنابراین برخلاف آنچه در ادبیات عامیانه رواج یافته، وجود سازند گچساران مطلقا مترادف با وجود لایه‌های نمک یا گنبد نمکی (یا فاجعه!) نیست. همچنان که تعداد زیادی از مخازن سدهای بزرگ در حال بهره‌برداری در ایران، مانند سد کوثر، سد مارون و... و سدهایی در سایر کشورها بر روی سازند گچساران (یا معادل آن) قرار گرفته و مشکلی درخصوص مسئله انحلال نمک در آب مخزن ندارند. در مخزن سد چم‌شیر هیچ‌گونه رخنمون لایه‌های نمکی یا گنبد نمکی در سطح یا اعماق کمتر از ۴۰۰ متر (مستند به گمانه‌های اکتشافی حفاری‌شده و نمونه‌های به‌دست‌آمده طی حفاری چاه‌های نفت) مشاهده نشده است و ادعای تشابه مخزن چم‌شیر با مخزن سد مورد اشاره در عنوان مقاله مذکور، کاملا بی‌پایه و اساس است.

۳) آیا وجود سالانه ۵۰۰ هزار تن مواد محلول در آب رودخانه صحت دارد؟

بله. بدیهی است که در رودخانه‌ها آب‌مقطر جریان ندارد و آب رودخانه دارای مواد محلول است. عدد هدایت الکتریکی ۲۰۰۰ میکروموس بر سانتی‌متر (که تنها داده قابل استناد مقاله است)، یعنی اینکه در هر لیتر آب رودخانه در حال حاضر، حدود ۱۳۰۰ میلی‌گرم مواد محلول وجود دارد. لازم به یادآوری است که وقتی صحبت از سالانه ۵۰۰ هزار تن مواد محلول در آب رودخانه زهره می‌شود، این میزان مواد محلول (کل مواد محلول و نه لزوما نمک به تنهایی) در مقابل حدود دو میلیارد مترمکعب آورد متوسط این رودخانه، معادل ۲۵۰ میلی‌گرم در لیتر مواد محلول خواهد بود (که عدد بزرگی نیست. البته واحد اندازه‌گیری غلظت مواد محلول در آب، میلی‌گرم بر لیتر بوده که در مقاله برای بزرگ‌نمایی به تعداد کامیون و طول صف آن ارتباط داده شده است. اگر به‌جای میلی‌گرم در لیتر، از روش جدید اندازه‌گیری با طول صف کامیون برای رودخانه‌های بزرگ دیگر استفاده شود، نتایج به مراتب فاجعه‌بارتری را به بار خواهد آورد!)، ضمنا این مقدار مواد محلول در حال حاضر درون آب رودخانه موجود است و ارتباطی به ساخت سد یا آب‌گیری سد ندارد (با احداث سد یا بدون احداث سد، این مواد محلول در آب وجود دارند) و بر اثر انحلال در مخزن به آب اضافه نمی‌گردد و ضمنا منظور از مواد محلول، همه مواد را شامل شده و همه آن نمک نمی‌باشد.

۴) آیا احداث سد چم‌شیر برای کشور عوایدی دارد؟

بله. صرف‌نظر از تولید سالانه حدود ۵۰۰ میلیون کیلووات ساعت انرژی پاک، سالانه به‌طور متوسط حدود دو میلیارد مترمکعب آب با کیفیت مطلوب برای کشاورزی (یعنی ۱۰ برابر مخزن سد امیرکبیر کرج) از تنگه چم‌شیر عبور می‌کند و به دریا می‌ریزد. بخش عمده این حجم آب، به‌صورت سیلاب‌های حجیم و مخرب است و عایدی کشور از این سیلاب‌های کوتاه‌مدت و حجیم، عمدتا تخریب اراضی و مستحدثات موجود در مسیر سیلاب است. در حالی که در رژیم طبیعی رودخانه به‌خصوص در فصول خشک، کیفیت آب به‌شدت کاهش یافته و تقریبا غیرقابل‌استفاده می‌گردد، اگرچه اختلاط این آب، با آب رودخانه خیرآباد قبل از ورود به دشت خوزستان، باعث رقیق‌شدن آب و استفاده از آن در کشاورزی در دشت‌های سردشت، زیدون و هندیجان می‌گردد. لیکن مطالعات نشان می‌دهد که در صورت احداث مخزن سد چم‌شیر بر روی این رودخانه، امکان ذخیره‌سازی و بهره‌برداری از این آورد سیلابی قابل ملاحظه و نیز امکان مدیریت کمی و کیفی جهت تعدیل و بهبود کیفیت آب رودخانه، مهیا خواهد شد.

۵) آیا بررسی وضعیت کیفی آب رودخانه زهره در زمان گزینه‌یابی سد چم‌شیر مدنظر بوده یا موضوع جدیدی می‌باشد؟

این امر از سه دهه قبل یعنی از ابتدای مطالعات مدنظر بوده و در این مدت جهت مطالعه این موضوع، علاوه بر پنل‌ها و جلسات تخصصی مکرر که برای بررسی کیفی آب رودخانه و تأثیرات احداث سد چم‌شیر بر روی این رودخانه برگزار شده، در مجموع هشت مجموعه فنی و مهندسی مختلف، در برداشت داده‌ها و انجام آزمایشات و مدل‌سازی‌ها و انجام مطالعات در حوزه‌های مختلف این موضوع مشغول به فعالیت بوده و هستند. مطالعات انجام‌شده نشان‌دهنده تأثیر مثبت احداث مخزن سد چم‌شیر بر کیفیت آب رودخانه زهره بوده و نقش تعدیل‌کنندگی آن در امر بهبود کیفیت آب را تأیید می‌نماید.

ادامه در صفحه ۴

در انتظار سخنگو

شرق: بیش از سه‌ماه از استقرار ابراهیم رئیسی در پاستور و بیش از دو ماه از تشکیل کابینه سیزدهم می‌گذرد اما هنوز خبری از انتخاب «سخنگوی دولت» نیست. حتی نام آشنایی نیز برای این پست مهم به گوش نمی‌رسد، تنها گزینه جدی که تا این لحظه نام او به میان آمده «سپهر خلجی» است که خودش اعلام کرد توفیق حضور در دولت را نیافته است. خلجی، پیش‌تر معاونت خبری ایرنا را بر عهده داشت و در کارنامه فعالیت او کارشناس معاونت بررسی دفتر مقام معظم رهبری، تدریس در دانشکده خبر و ریاست هیئت‌مدیره یک مؤسسه پژوهشی دیده می‌شود. او از سال ۹۰ مدیر روابط عمومی دفتر رهبری منصوب است. اولین بار عبدالله گنجی، مدیرمسئول روزنامه جوان از احتمال انتخاب خلجی برای سخنگویی دولت سیزدهم خبر داده اما سپهر خلجی در یادداشتی در صفحه اینستاگرام خود درباره اخبار منتشرشده درباره حضور خود در بخش اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم نوشت: «خبر درست بود و مدت‌ها مذاکراتی جدی درخصوص مقدمات این انتقال درحال انجام بود؛ اما با وجود لطف و عنایت بسیار آیت‌الله رئیسی رئیس‌جمهور محترم، سرانجام این توفیق حاصل نشد. سربازی برای نظام و انقلاب در هر سنگری افتخار است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در فرازی از بیاناتشان می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی هرجا که قرار گرفته‌اید همان‌جا را مرکز دنیا بدانید... باید با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید(۵ اسفند ۱۳۷۰)». او همچنین نوشت که: «فعلا توفیق همکاری مستقیم با دولت مردمی و خدمتگزار فراهم نشد ابراز تأسف و شرمندگی کنم؛ اگرچه کمک به دولت انقلابی به هر شکل ممکن را جزء وظایف قطعی خود می‌دانم». از ابتدای انقلاب تاکنون به‌جز دولت دوم میرحسین موسوی و دو دولت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، بقیه رؤسای‌جمهور برای کابینه خود سخنگو انتخاب کرده‌اند. مرحوم عباس امیرانتظام و مرحوم صادق طباطبایی در دولت موقت سخنگو بودند و مرحوم حسن حبیبی، سخنگویی شورای انقلاب را برعهده داشت. بهزاد نبوی مدت کوتاهی سخنگوی کابینه شهید باهنر شد و احمد توکلی نیز سخنگویی دولت اول میرحسین موسوی را برعهده داشت.

از دولت اول سیدمحمد خاتمی، سخنگویی دولت نظم و قاعده بهتری گرفت. او حدود چهار ماه بعد از روی‌کارآمدن دولت اول خود، عطاالله مهاجرانی را به عنوان سخنگو برگزید. مهاجرانی اما تا آذر سال ۷۹ در این سمت ماند. حدود چهار ماه بعد از روی‌کارآمدن دولت دوم خاتمی، این بار عبدالله رمضان‌زاده، عهده‌دار سخنگویی دولت اصلاحات شد و تا پایان دولت در این پست ماند. محمود احمدی‌نژاد، تنها چند روز بعد از روی‌کارآمدن دولت اولش سخنگوی خود را انتخاب کرد و غلامحسین الهام عهده‌دار آن شد. او پیش‌تر سابقه سخنگویی در شورای نگهبان و قوه قضائیه را نیز داشت. او یک‌بار از سخنگویی رفت اما دوباره در آذر ۹۱ به این جایگاه بازگشت تا پایان دولت احمدی‌نژاد در این سمت ماند. البته دولت احمدی‌نژاد یک سخنگوی دولت دیگر نیز داشت؛ شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد با حفظ سمت سخنگوی اقتصادی دولت هم بود.

حسن روحانی نیز کمتر از ۲۰ روز از رفتنش به پاستور، سخنگویی دولت را به محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه سپرد. نوبخت در تمام دولت اول روحانی و تا مرداد ۹۷ نیز سخنگو بود اما ناگهان در توییتی نوشت: «از رئیس‌جمهور درخواست نمودم به‌دلیل شرایط جدید اجازه دهند همه توان خود را صرف کمک به ایشان در حوزه برنامه‌وبودجه نمایم و مسئولیت سخنگویی دولت را از دید دیگری بر عهده بگیرم که خوشبختانه مورد موافقت ایشان نیز قرار گرفت». در خرداد ۹۸، علی ربیعی که در دولت روحانی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود اما با استیضاح مجلس برکنار شده بود، به جای نوبخت نشست. هنوز دولت ابراهیم رئیسی برای سخنگویی دولت تصمیم خاصی نگرفته است، هرچند احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد چندی پیش به‌عنوان سخنگوی اقتصادی دولت سیزدهم انتخاب شد.

محمدعلی ابطحی: سخنگویی دولت یک امر فرعی نیست

محمدعلی ابطحی، سال‌ها به‌عنوان رئیس‌دفتر رئیس دولت اصلاحات با سخنگوی دولت مراوده داشته و نقش و اهمیت این پست را می‌داند. او درباره سخنگویی دولت و اهمیت آن با «شرق» گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید:

سخنگوی دولت چه نقشی در دولت دارد؟

سخنگو فردی است که از طرف دولت به‌صورت مستند دیدگاه‌های دولت را بیان می‌کند و به همین دلیل اگر دولتی به افکار عمومی اهمیت دهد، باید از همان روز اول سخنگو را انتخاب کند تا بتواند هم از دولت دفاع کند و هم اینکه در برابر شبهات، نظرات دولت را مطرح کند.

من فکر می‌کنم آن‌قدر حوادث و مسائل در هم ریخته شده که دولت جدید اصلا به سخنگویی توجه ندارد، درحالی‌که من معتقدم در دوران معاصر و انقلاب ارتباطات، سخنگویی یک امر فرعی نیست بلکه اصلی است که یک رئیس‌جمهور باید حتی قبل از انتخاب وزرا به فکر یک سخنگوی خوب برای دستگاه اجرائی باشد. فکر می‌کنم اینکه تا الان سخنگو برای دولت سیزدهم انتخاب نشده، خود دولت و مجموعه سیستم حکومتی بیشتر آسیب خواهد دید.

فکر می‌کنید چرا تا الان انتخاب صورت نگرفته؟ تعمدی است یا فرد مناسبی را پیدا نکرده‌اند؟

من فکر نمی‌کنم تعمدی برای آن وجود داشته باشد. من اتهام نمی‌زنم، البته گاهی اوقات منافع درون‌دولتی نیز در اینکه چه کسی سخنگو باشد، تعیین‌کننده است. من در مورد این دولت نمی‌گویم اما در دولت‌ها می‌تواند باندهایی وجود داشته باشند که علاقه‌مند باشند سخنگو فردی باشد که سیستم آنها را توجیه کند و بتواند دیدگاه آنها را منتقل کند.

دوره خاتمی پایه‌گذار یک اتفاق شد؛ در ابتدا آقای مهاجرانی سخنگو بود اما بعد از آن سخنگویی با دبیر دولت یکی شد و وقتی آقای رمضانزاده به‌عنوان سخنگو انتخاب شد، دبیر دولت نیز بود. نکته مثبت آن در این بود که چون دبیر دولت در جزئیات تصمیمات سیاسی و اقتصادی دولت اشراف دارد، لزوما سخنگوی رئیس‌جمهور نباشد و در اصل سخنگوی دولت باشد. من شخصا ترجیح می‌دهم سخنگو دبیر باشد تا جزئیات را بداند و در نشست‌ها درباره آن بگوید و از مسائل و بحث‌های دولت خبر داشته باشد.

به نظر شما بهترین سخنگوی دولت چه کسی بوده است؟

من نمی‌خواهم درباره افراد قضاوت کنم اما طبیعتا در دوره‌های مختلف مسائل متفاوت رخ داده است. در دوره آقای خاتمی که فضای مجازی وجود نداشت یا حتی تا نیمه‌های دولت احمدی‌نژاد، تعامل و ارتباط سخنگو با رسانه‌ها یک مشی خاص را احتیاج داشت. اما عصر فضای مجازی دوره جدیدی است و حتی جامعه بشری دوران تازه‌ای را تجربه می‌کند. در این تجربه جدید طبیعتا به کسی نیاز است که این دوره را بشناسد. اتفاقا آقای رئیسی چند روز پیش به نکته خوبی اشاره کردند که جلوی شایعات را سریع بگیرید، قطعا یکی از راه‌های جلوگیری از شایعات وجود سخنگو است تا هرروز بتواند جلوی شایعات را بگیرد و آنها را تأیید یا تکذیب کند.

اتفاق بدی در دوره احمدی‌نژاد در رسانه و بحث سخنگویی افتاد و آن این بود که وقتی مطلبی به هر دلیلی نباید مطرح می‌شد (که در همه دنیا پیش می‌آید که مقامی حرفی را مطرح می‌کند که لزومی به طرح آن نبوده است) معمولا آن حرف تصحیح می‌شود اما در دوران احمدی‌نژاد رسم شد که به‌جای تصحیح، تکذیب می‌کردند. مثلا شخص آقای احمدی‌نژاد چندین‌بار مسائل مربوط به خودش را تکذیب کرد، درحالی‌که فیلم و صوت آن پخش شده بود و نفهمیدیم ایشان چه چیزی را تکذیب می‌کردند؛ درحالی‌که می‌توانستند این اتفاقات را تصحیح کنند و این‌گونه جا بیندازند که تکذیب با تصحیح فرق دارد و هرچه را که اتفاق افتاده اما آنها نمی‌پسندند، تکذیب نکنند و این تکذیب‌کردن‌های بی‌دلیل اعتماد عمومی را سلب می‌کند.

طرح ممنوع‌الخروجی مسئولان یا به‌رسمیت‌شناختن مدیران دوتابعیتی

دسترسی به اطلاعات محرمانه ضمانت خروج مسئولان فاسد!

هشدار نوروزی، نماینده مجلس، درباره انتشار مدارکی که خاوری با خود به کانادا برده است

شرق: نوروزی، نماینده مجلس، گفته است: «متأسفانه وقتی آقای خاوری مدیرعامل بانک ملی ایران از کشور خارج شد، بخش زیادی از اسناد و اطلاعات را هم با خود برد که شاید آن را منتشر کند». او با این سخنان به توجیه ضرورت تصویب طرح ممنوعیت خروج مسئولان پرداخته است.

نگرانی از انتشار اسناد و مدارکی که بیش از یک دهه است خاوری با خود خارج کرده و افکار عمومی تاکنون کاملا از آن بی‌اطلاع بوده، امری مهم و درخور توجه است؛ اما چاره کار واقعا در ممنوع‌الخروجی سه‌ساله مسئولان است؟!

مسئولانی که به‌راحتی به اسناد محرمانه دسترسی داشته و هر زمان اراده کنند امکان تهیه کپی یا حتی خروج مدارک اصل را از سازمان‌های خود دارند، برای خیانت به کشور نیازی به خروج از کشور از مبادی رسمی ندارند.

صرف وقت و هزینه بهارستانی‌ها برای تدوین طرح‌هایی پوپولیستی همچون طرح ممنوع‌الخروجی مدیران بعد از پایان خدمت نمی‌تواند ضمانت اجرائی برای حفظ مدارک محرمانه و ممانعت از خروج از کشور این مدارک باشد.

چندی پیش علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس گفت «خانه اول برخی مدیران، وزرا و مسئولان نه ایران، بلکه کشورهای غربی است»؛ انتقادی که از دید اصولگرایان برای حلش فقط یک راه وجود داشته و آن نگارش طرح ممنوعیت خروج مسئولان بعد پایان دوره خدمت بوده است.

سلیمی گفته بود: «برخی از افراد که در دولت گذشته در سطح معاون وزیر و رؤسای سازمان‌های مهم کشوری مسئولیت داشته‌اند، به بهانه آلودگی هوای تهران دو، سه ماه به ژنو و وین رفته‌اند و آنجا ساکن شده‌اند و جالب است که از همان‌جا درباره مسائل کشور مصاحبه و تئوری‌پردازی می‌کنند. این مسئله و مشکلات و مفاسد ناشی از آن، باعث شکل‌گیری این ایده در بین جمعی از نمایندگان مجلس شده است تا درباره خروج مدیران از کشور پس از اتمام مسئولیتشان ضوابطی تعیین کنند».

با توجه به نحوه دسترسی‌ها و ضعف امنیتی درون‌سازمانی ایران، حتی این مسئولان قبل از پایان خدمت، خارج‌نشین شده و سال‌هاست همسر و فرزندانشان ایران زندگی نمی‌کنند.

در این شرایط، تدوین طرحی برای بالابردن ضریب امنیت در رده‌های بالای مدیریت کشور، اهمیتی دوچندان دارد تا طرح شش‌ماده‌ای ممنوع‌الخروجی که هدفی جز تسویه‌حساب سیاسی با دولت دوازدهم نداشت و زمانی هم که به مرحله اجرا برسد، فایده‌ای برای تحقق هدف ابتدایی بهارستان ندارد؛ زیرا ماه‌هاست دولت دوازدهم جایش را به دولت اصولگرایی داده که مورد حمایت مجلس است.

این در حالی است که حجت‌الاسلام نوروزی چندی پیش توضیح داده بود: «بر اساس این طرح، مسئولانی که در دوره خدمت خود پرونده دارند یا در مظان اتهام هستند، در مدت مشخصی ممنوع‌الخروج شوند. اگر مسئولی در مظان اتهام باشد یا پرونده داشته باشد، می‌تواند تا زمان رسیدگی به پرونده اگر لازم باشد با وثیقه از کشور خارج شود و در صورت تبرئه، وثیقه آن فرد آزاد می‌شود».

در ماده ۲ این طرح که شش ماده دارد، آمده است: «بازه زمانی انجام این طرح در یک سال آخر مسئولیت اشخاص حقوقی و سه سال بعد از اتمام مسئولیت وی می‌باشد». در ماده ۳ نیز بحث شفافیت مالی مسئولان مطرح شده است. پیش از این طرح قید محرمانگی آن از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد تأکید قرار گرفته و مانع از نظارت شفاف بر روند اعلام صحیح اموال مسئولان خواهد شد. طبق این طرح، «افرادی که شامل ماده ۱ می‌باشند، باید ضمن شفاف‌سازی و ثبت اموال خود در سامانه ثنای قوه قضائیه، از هرگونه فروش و خروج اموال خود از کشور خودداری کنند». این در حالی است که مالکیت خصوصی در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده و افراد اختیار اموال خود را دارند و حداقل کاری که برای دورماندن از حاشیه این ماده قانونی باید انجام دهند، انتقال اموال یک سال قبل از پایان خدمت به نزدیکان برای تبدیل و خروج از کشور است.

همچنین در ماده ۴ از شرایط خروج از کشور صحبت شده که مقرر کرده‌اند «خروج شخص مسئول منوط به اجازه نهادهای نظارتی و امنیتی یعنی قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و اطلاعات نیروی انتظامی می‌باشد». اگر این تبصره برای زمان خدمت باشد، یک ماجراست و اگر منظور هم‌زمان با پایان خدمت باشد نیز نحوه مدیریت کسب این اجازه باید مشخص شود؛ زیرا ضمانت اجرای بازگشت، مهم‌تر از مجوز خروج از کشور است. حتی در تبصره ذیل این ماده نیز راهکاری پیش‌بینی نشده و در این تبصره آمده است: «در صورت ضرورت برای خروج از کشور، شخص باید با هماهنگی کامل و اجازه کتبی از نهادهای نظارتی و روشن‌بودن اهداف سفر و تاریخ رفت و برگشت، سفر مذکور را انجام داده تا بعد از پایان مدت ممنوعیت خروج از کشور و رسیدگی به اموال آنها، از موضوع این طرح خارج شود».

ماده ۵ هم که آب پاکی در شفافیت اموال مسئولان را روی دست مجریان بعدی این طرح ریخته است؛ زیرا همه چیز همچنان محرمانه و به دور از شفافیت باقی خواهد ماند. طبق ماده ۵ این طرح، «اموالی که در این طرح باید مورد بررسی قرار گیرند، شامل همان اموالی است که آیین‌نامه ذیل ماده ۱۴۲ قانون اساسی یا همان آیین‌نامه ثبت اموال مسئولین می‌باشد».

ماده ۶ هم در رابطه با مدیران دوتابعیتی است. نکته جالب آنجاست که از یک سو به‌کارگیری افراد دوتابعیتی ممنوع است و از سویی دیگر با این ماده پذیرفته‌اند مدیران دوتابعیتی در رده‌های بالا و حساس مدیریتی حضور دارند و باید با پایان خدمت ممنوع‌الخروج شوند. در ماده آخر این طرح این‌گونه مقرر شده که «اولویت اجرای این طرح با افرادی است که دارای دو تابعیت می‌باشند یا افرادی که خویشاوندان نزدیک آنها در خارج از کشور به سر می‌برند».

بنابراین طبق ماده ۶ طرح مذکور، به زندگی اعضای خانواده مسئولان خارج از کشور رسمیت بخشیده شده و داشتن مدیران دوتابعیتی نیز مشکلی تشخیص داده نشده است.

با این نوع نگاه و این نوع طرح‌نویسی، نتیجه طرح ممنوعیت خروج مسئولان قرار است چه باشد؟!

همچنان نظارتی بر اموال مسئولان وجود ندارد، فعالیت مدیران دوتابعیتی پذیرفته شده و فقط باید سه سال بعد از پایان خدمت ممنوع‌الخروج شوند، زندگی اول مسئولان در خارج از ایران نیز دغدغه‌ای برای بهارستان‌نشینان تشخیص داده نشده و فقط شعار داده‌اند که قرار است مانع فرار مدیران جاسوس شوند.

نوروزی از مدافعان اصلی این طرح گفته است: «مدیران عالی کشور مانند رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزرا و... مشمول این قانون می‌شوند». این سخنان این ابهام را ایجاد می‌کند که چرا با حضور مدیران دوتابعیتی در چنین رده‌هایی برخورد نمی‌شود؛ مگر نه اینکه بارها به دولت روحانی از این باب حمله شد، مگر نه اینکه نادیده‌گرفتن مواد قانونی، به‌ویژه ماده ۹۸۹ مبنی بر ممنوعیت به‌کارگیری اتباع دارای تابعیت مضاعف و اقامت خارج کشور تخلف است، پس چگونه ماده آخر طرح، فقط ممنوع‌الخروجی مدیران دوتابعیتی بعد از پایان خدمت و نه حذف این افراد در سیستم اداری را مدنظر قرار داده است؟ چنین نگاهی باعث شده امکان بهره‌برداری از بخشی از ظرفیت‌های ملی و به‌ویژه در حوزه‌های علوم نوین و انتقال تکنولوژی با موانع و مشکلاتی همراه باشد که عملا آن را به یک «پارادوکس» تبدیل کرده است. نایب‌رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس همچنین اظهار کرد: مدیران و مسئولان چه بخواهند و چه نخواهند، در دوران تصدی مسئولیت برخی اطلاعات حساس و غیرحساس را متوجه می‌شوند که برخی از این اطلاعات شاید امنیتی و نظامی باشد و برای حفظ امنیت و اسرار کشورمان نیاز است تا نهادهای نظارتی، امنیتی، بازرسی و حراستی بدانند آن مدیر و مسئول در کدام شهر سکونت دارد و حتی اجازه خروج از کشور را به او ندهند. این در حالی است که چنین قانونی در خیلی از کشورهای خارجی هم وجود دارد. نوروزی گفت: هیئت وزیران آیین‌نامه اجرائی این قانون را مشخص خواهد کرد و دولت باید مناصب، مشاغل و پست‌های مدیریتی‌ای را که مشمول این قانون می‌شوند، تعیین کند.

در کنار ابهام‌ها درباره حضور دوتابعیتی‌ها در مدیریت کلان کشور، عدم نظارت دقیق امنیتی بر عملکرد مدیران و حفاظت از اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی‌شده رده‌های مختلف مدیریتی، بیم خروج از کشور و افشای آنها را دوچندان کرده و حتی شخصی مانند محمود خاوری با اطلاعاتی که از ایران یک دهه پیش خارج کرده، به‌راحتی در کانادا در حال گذران زندگی تجملی خود است.

روزنه

روایت هاشمی از تغییر و تحولات در کارگزاران

برنا: محسن هاشمی درباره اتفاقات اخیر حزب سازندگی گفت: «اخیرا در حزب کارگزاران سازندگی درگیری جدی نبود و بحث‌هایی هم که مطرح شد به این دلیل بود که تغییری در ارکان حزب اتفاق بیفتد و خود من هم در روند این تغییرات مطرح بودم». او ادامه داد: «اتفاقا من هم نظر مشابهی داشتم و نمی‌خواستم رئیس شورای مرکزی حزب باشم، بسیاری بر این نظر بودند که تغییراتی در حد ارکان اتفاق بیفتد و برخی نمی‌خواستند این اتفاق بیفتد». هاشمی همچنین گفت: «به‌دلیل کرونا جلسات حضوری برگزار نمی‌شد و بیشتر مجازی بود و برخی نیز در گروه جلسه می‌گذاشتند و حرف‌هایی پراکنده منتشر می‌شد اما درنهایت مسئله همان‌طورکه گفتم اختلاف و چیزی مشکل‌دار نبود و به مرور همه‌چیز حل می‌شود».

آذری جهرمی:

حواسمان باشد که فساد چهره‌های مختلفی دارد

ایلنا: محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات، در کانال تلگرامی خود نوشت: «خویشاوندسالاری در تقابل با شایسته‌سالاری پدیده جدیدی نیست. در طول زمان‌های مختلف، از سال‌های بسیار دور تا همین امروز، کشورها درگیر پدیده favoritism بوده‌اند و واکنش‌های مختلفی به این امر نشان داده‌اند. جوامعی در دنیا وجود دارند که نظام‌های اجتماعی‌شان اصالتا مبتنی‌بر ساختارهای خویشاوندی و قبیله‌ای است در نتیجه خویشاوندسالاری نه‌تنها مذموم نیست بلکه همان‌گونه که در عربستان یا هندوستان قابل مشاهده است، به‌عنوان روندی مطلوب در فرایند سامان‌دادن به امور نیز تلقی می‌شود. در این ساختارهای اجتماعی غالبا روابط سرور-پیرو (Patron-Client) حاکم است که در آن افراد براساس روابط شخصی گزینش می‌شوند و به حلقه صاحب‌منصبان راه پیدا می‌کنند». او همچنین در ادامه این یادداشت آورد: «همه می‌دانیم که در جوامع مبتنی‌بر مردم، شیوع فساد، مانند حمله موریانه‌های گرسنه به پایه‌های حاکمیت است. فقط باید حواسمان باشد که فساد چهره‌های مختلف دارد و همه چهره‌های آن ویران‌کننده است.... موریانه‌ها قادرند به‌سرعت ولی بدون کمترین بروز ظاهری، یک سیستم را بِجَوند و درنهایت تلی از خاک تحویل دهند. مراقب موریانه‌ها باشیم».

محمود میرلوحی:

فکر می‌کنند مشکل کشور تنها هاشمی و خاتمی و روحانی بودند

ایلنا: سیدمحمود میرلوحی درباره بررسی اقدامات صدروزه دولت و وعده‌های انتخاباتی سیدابراهیم رئیسی، گفت: «واقعیت این است که کشور ما با چالش‌های پیچیده، عمیق و گسترده دست‌به‌گریبان است. طبیعتا اگر هر دولت و کشوری با این چالش‌ها مواجه باشد، به تب‌وتاب می‌افتد. ایران امروز با خشک‌سالی، آسیب‌های اجتماعی، اشتغال و بحران تورم مواجه است که کرونا نیز مزید بر علت شده است. این مسائل موجب سختی کار شده است». او ادامه داد: «متأسفانه نوعی دو قطبی‌سازی در کشور وجود دارد که عده‌ای معتقدند این مسائل مربوط به دولت سایه است و عده‌ای اعتقاد دارند که دولت فعلی مسبب این مشکلات است. در زمان دولت آقای روحانی ما اصلاح‌طلبان معتقد بودیم که دولت سایه عامل بسیاری از این مشکل‌هاست. آنها نیز معتقدند که دولت روحانی و اصلاح‌طلبان مسبب وضع موجود هستند». میرلوحی ادامه داد: «مشکلات ما عمیق و پیچیده و مزمن است. وعده‌هایی که در انتخابات داده شد، کارشناسان در همان زمان نیز گفتند که با توجه به شرایط، منابع و ورودی‌های اقتصاد ایران به‌خصوص بودجه کشور، این وعده‌ها امکان تحقق ندارد. یعنی باید ابتدا مسائل کشور حل شود و برجام به نتیجه برسد، سپس شاهد گشایش باشیم». او بیان کرد: «رئیسی تلاش می‌کند و ما نیز دعا می‌کنیم که دولت موفق شود اما باید بدانیم که مسائل اقتصادی ایران و اشتغال بسیار مزمن شده است که بدون مهارکردن شاخص‌ها، نمی‌توان آن را حل کرد». این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ادامه داد: «ایران شرایطی داشت که می‌توانست با انتقال خطوط انرژی و راه‌آهن، بیش از نفت درآمدزایی کند. هواپیماهایی که ناچار باید از آسمان ما عبور کنند، کشور ما ویژگی‌هایی دارد که تاکنون مغفول مانده است؛ اینها فرصت اقتصادی مردم است که درحال ازدست‌رفتن است». میرلوحی تأکید کرد: «عامل وضع موجود، چه در داخل و چه خارج از کشور باشد، باید به اجماع ملی برسیم. نشست اخیر آقای رئیسی با مدیران مسئولان بسیار مثبت بود. من پیشنهاد می‌کنم که نشستی هم با احزاب ترتیب دهند و با کارشناسان اقتصادی و با دیدگاه‌های متنوع جلسه بگذارند و تبادل‌نظر کنند». او در پایان گفت: «آقایان فکر می‌کنند که مشکل کشور تنها خاتمی، روحانی و هاشمی‌رفسنجانی بودند؛ درصورتی‌که این‌طور نیست. کشور امروز به دست‌انداز تصمیم‌گیری افتاده است و متأسفانه هرچه می‌گذرد این مشکلات عمیق‌تر می‌شود و باید تغییری در روش‌ها و رویکردها بدهیم و مسائل را در منطقه و دنیا به کار بگیریم و همه را به همکاری دعوت کنیم».